

## برج آهن

### مهندس عطایی کجویی

برج آهن نمایشگاهی است از آثار سروش کیایی که در گالری آرته به نمایش در آمد هرچند فضای نمایشگاهی به طور کل نامناسب بود اما براستی بر بیان و معنای عکس ها تاکید داشت به خصوص سقف کوتاه و فضای تقریباً تاریک نمایشگاه انگار کنایه ای بود از بیانیه هنرمند.

۱۱ عکس از ۶۵ عکس این مجموعه به نمایش گذاشته شد تصاویر با قطعی مربع و کادر دایره ای سیاهی احاطه شدند که گویی قصد دارند این مناظر نازیبی را با سیاه نمایی اغراق آمیزی منفور جلوه دهند.

کنایه بیشترین و برجسته ترین اتفاق این نمایشگاه است، از فضای نمایشگاه گرفته تا خود عکس ها.

ترکیب درختان و ساختمان ها و استفاده از جمله "آسمان آبی زمین پاک" خود بر این دلالت می کنند.

نکته ی جالب همه ی تصاویر جذابیت غیر عمدی برج های آهنی است! ولی اندوه اینکه این جذابیت با نابودی طبیعت به دست می آید فراموش نشدنی و غیرقابل انکار است.

به نظر در تمامی تصاویر سابقه ی مکانی مدنظر گرفته شده که به علت عدم آشنایی با این گذشته به درستی درک نشد.

به طور کلی به نظر حتی مکان پرترافیک و انتخاب فضا و تمام آنچه که بیان شد تنها یک دلیل داشت لحظه ای تفکر که خودمان چه بر سر زندگی خود و محیط اطرافمان آوردیم.

### پویا کاظمی

سروش کیایی، دانش آموخته ی کارشناسی مرمت آثار تاریخی در دانشگاه هنر اصفهان می باشد، و کارشناسی ارشد عکاسی خود را در دانشگاه هنر تهران گذرانده. وی در حال حاضر علاوه بر عکاسی به تدریس این رشته نیز می پردازد.

مجموعه "برج آهن" مانند دیگر مجموعه های وی، در گالری آرته به نمایش در آمده است.

۱۰۰) بر دیوار گالری نصب شده اند. تمامی تصاویر با دوربین قطع بزرگ عکاسی و  $80 \times 100$  و  $60 \times 100$  و  $11 \times 80$  فریم در قطع مربع با سه سایز مختلف (۶۰ به صورت دیجیتال بر روی کاغذ چاپ شده اند.

در این مجموعه تمرکز عکاس بر ساختمان های فلزی - که نمادی از مدرنیته و صنعتی شدن هستند -

می باشد. سازه هایی فلزی که شهر آن هارا در بر گرفته. از دیگر وجوه مشترک در بین تمامی تصاویر،

حاشیه ی سیاه دایره ای شکل تمامی عکس ها می باشد که به دلیل کوچک تر بودن قطع لنز دوربین نسبت به صفحه حساس در تصاویر دیده می شود.

کیایی عکاس معماری است. و این مجموعه را در تداوم نگرش دیگر مجموعه اش به نام "معماری ایران ۸۳۰ نانومتر" کار کرده. در آن جا، با استفاده از

تکنیک عکاسی مادون قرمز سعی داشت با افزودن جلوه ای تازه، منزلت بنا های تاریخی و سنتی را دوباره به یاد بیاورد. و در این جا، در "برج آهن"، از

دریچه معماری شهری، به نقد شهر امروز می پردازد. البته این بار با نگاهی مستقیم تر روبرویم، همان طور که در بیانیه می خوانیم: « به راستی چه بر سر ما

و این شهر آمده است؟ زیبایی و اصالت را در زنگ زدگی های مشبک انبوه آسمان خراش های نیمه ساز جست و جو می کنیم...» کیایی با زبانی احساس

گرایانه ناراضیاتی خودش را از این شرایط ابراز می کند.

ایده ی حاشیه مدور تصاویر، که به واسطه ی این ضعف فنی به وجود آمده، حرکتی خلاقانه به شمار می آید و خاصه این مجموعه است. اکثر تصاویر از زاویه

دید لو انگل - که زاویه دیدی نامتداول در عکاسی معماری

می باشد، - عکاسی شده اند. این رویکرد در جهت القای ترسناک بودن این سازه ها در فضای شهری به کار گرفته شده است.

این نمایشگاه از تاریخ سوم لغایت دوازده آذرماه برگزار می شود.

نرگس ورشوساز

در این نمایشگاه عکس هایی در قاب مربع اما در کادر دایره وجود دارد. عکس ها ساختمان های بلند ناتمام و تیر آهن ها و درواقع استخوان بندی ساختمان های در حال ساخت را نشان می دهد. تمام عکس ها سیاه و سفید هستند.

عکاس با نشان دادن نمای زشت ساختمان های نیمه کاره و برج هایی که از آهن ساخته شده و بالا رفته عدم زیبایی فضای شهری را نشان می دهد.

این نازیبا بودن مناظر شهری خود تاثیر منفی بسیار زیادی در روان و آرامش مردم دارد و هرچقدر اینگونه ساختمان ها در شهر زیادتیر شوند میزان ناراحتی و غمگینی مردم هم بیشتر می شود. چیزی که واضح است این است که وجود برج های آهن در سرتاسر شهر و کمبود فضای سبز به شهروندان حس خفگی و شلوغی را منتقل می کند.

مخصوصا در شهر شلوغ تهران که به علت ازدیاد جمعیت هوا بسیار آلوده و کثیف است، ساختمان ها که کماکان به تعدادشان اضافه می شود، تاثیر زیادی در منتقل کردن حس ازدحام، افسردگی و از این دست احساسات را دارند.

مطالبی که در دو پاراگراف بالا گفته شد درواقع چیزی بود که هنرمند قصد داشته و تلاش کرده در کارش به تصویر بکشد. اما نکته منفی که در مورد این کار وجود دارد این است که بر خلاف متن نوشته شده که درختان درحال خشک شدن هستند، تقریبا در کادر تمام تصاویر درخت دیده می شود. بنابراین درست است که ما ساختمان های نیمه کاره و انبوهی از تیر آهن های بلند را می بینیم اما بخاطر وجود درخت در کادر، خشکیده شدن یا به عبارتی نابودی فضای سبز و آلودگی منتقل نمی شود.

ضمنا با وجود اینکه که در متن نوشته شده است هنرمند می خواهد افسردگی را هم به تصویر بکشد اما چیزی که در کل از تصاویر به مخاطب می رسد بیشتر حالت گزارشی از انبوه ساخت و ساز در سطح شهر است.

نکته مثبت دیگر هم کادر دایره ای است که نشان دهنده دید شخصی و متفاوت عکاس است.

جمال غیاثبیگی

عکس هایی سیاه سفید که بادوربین قطع بزرگ گرفته شدند. عکس ها به صورت دایره هستند که حاشیه مشکی دارند و یادآور عکاسی پین هول هستند.

عکس های او نوعی ناراحتی و غم به همراه دارد اسکلت ساختمان های فلزی و مرده که سر به آسمان گذاشتند و زاویه دید از پایین به بالا که عظمت این ساختمان ها را دو چندان میکنند، بر حس خفگی و تنگنای عکس ها پافشاری میکند

سروش کیایی در این عکس ها بدنبال زوال و صنعتی شدن فضای شهری تهران که زیبایی خود را روز به روز بیشتر از دست می دهد است.

در دهه های ۴۰ و ۵۰ شمسی، معماران و هنرمندانی ظهور کردند که هویتی نوین به فضای شهری بخشیدند سازه هایی ملهم از معماری تاریخی ایران و درآمیخته با نوآوری های معماری مدرن اروپایی را پدید آوردند که نمادهای پابرجای آن دوره هستند.

اما اکنون تهران خواسته و ناخواسته به ستایش آهن و برافراشتن فولاد و بتون برخواسته است.

سروش کیایی در این مجموعه عکس هایش به خوبی وضعیت حال حاضر تهران و زوال آن را به نمایش گذاشته و با طنز تلخی آن را بیان میکند همانند آن عکس که اسکلتی فلزی برجی را به نمایش گذاشته که در پایین آن نوشته : آسمان آبی زمین پاک .

علیرضا میرزائی

تصاویر نمایشگاه انفرادی برج آهن که توسط استاد سروش کیایی عکاسی شده است شامل عکس هایی است که با دوربین قطع بزرگ ۴\*۵ اینچ گرفته شده است. از هر اثر نمایشگاه ۳ نسخه با سایز های متفاوت و یک نسخه هنرمند، که بر روی کاغذ اپسون چاپ شده است، موجود می باشد. این نمایشگاه از ۳ تا ۱۲ آذرماه در نگارخانه آرته برگزار شده بود.

عکاس در این مجموعه به بیان تفاوت های میان ساختمان ها و بناهای دهه های چهل و پنجاه، که بسیاری از این بناها مانند برج آزادی و تئاتر شهر آثار بالارزش و نماد هویت ملی میباشند، با ساختمان های عظیم و آهنین که در حال ساخت هستند پرداخته است.

هدف عکاسی از این بافت شهری، نشان دادن جلوه ی ازدحام، انبوهی و خفگی حاکم بر فضای تهران است، اینکه معماری و مردم عصر جدید چگونه هردو به ستایش دنیایی سرد و بی روح پرداخته اند و برای رسیدن به آن تلاش می کنند.

با کمی تامل در این باره به راحتی میتوان ارتباطی بین این فضاهای مرده با شرایط اجتماعی مردم تهران مشاهده نمود. در واقع هدف عکاس تنها نشان دادن ساخت بی رویه ساختمان های فولادی نیست بلکه کنایه ای به اجتماع و فرهنگ های نوظهور، که صرفا برپایه سودجویی است، دارد.

زهرامان زاده

در ابتدا پس از یک شکست و نیافتن گالری آرته بار دیگر برای پیدا کردن گالری قدم در راه گذاشتم و پس از پیچ و تاب های فراوان بالاخره یافتم!

از این جهت که این گالری در فضای نامناسب با دسترسی ناکافی برای این مجموعه عکس انتخاب شده بود میتوان به آن خرده گرفت.

عکس های این مجموعه در ابتدا برای من یاد آور عکس هایی بود که با دوربین پین هول ثبت شده باشند. این به دلیل حاشیه ی دایره ای و مشکی اطراف عکس بود که فضای مربعی عکسها را از قاب جدا کرده بود و از آنجا که سروش کیایی و تبحر ایشان در کار کردن با پین هول در حافظه من ثبت بود در ابتدا این تصور ایجاد شد که این دقت و ظرافت در عکس ها با پین هول چطور ممکن است!

اگرچه این عکس ها در ستایش بناهای آهنین و ساختمان های بلند تهران بود اما کنایه های ریزی به عدم وجود حس آرامش و امنیت ذهنی داشت.

از آن جهت که ساختمان های نیمه تمام با اسکلت های فلزی چهره ای نه چندان مناسب را در ذهن ایجاد میکرد که بی شباهت به متروکه نبود!

اسکلت های از بنا بیرون مانده و لخت خشن ترین حالت از ساختمان و بناست و انتخاب آنها برای عکاسی میتواند هنجار شکن باشد.

عکس ها در قاب های مربعی و با کادر مربع گرفته شده بودند که آنها را از باقی عکس های شبیه ای